

نظریه سقوط تعهدات منشأ با امضای اسناد تجاری

سمیه احمدی مجدآبادی فراهانی^۱

علیرضا عالی پناه^۲

چکیده: با صدور سند تجاری و تسلیم آن، پرداخت صورت نمی‌گیرد یا تعهد قبلی ساقط نمی‌شود، بلکه با وصول سند تجاری است که هم تعهد ناشی از سند تجاری ایفا می‌شود و هم تعهد منشأ ساقط می‌شود. با وجود اینکه سند تجاری طبق وصف تجریدی خود ایجاد تعهد می‌کند، اصل بر بقای تعهد منشأ است تا زمانی که سند تجاری پرداخت شود.

بین حقوق دانان ما در این مورد تقریباً اتفاق نظر وجود دارد و این اصل در بسیاری از نظام‌های حقوقی نیز پذیرفته شده است، با وجود این، نظریه دیگری نیز وجود دارد مبنی بر اینکه با صدور سند تجاری و تسلیم آن به طلبکار، تعهد منشأ ساقط می‌گردد. قائلین به این دیدگاه به «وصف جایگزینی سند تجاری» قائلند. آنان اگرچه قبول دارند که سند تجاری تعهد به پرداخت است نه پرداخت، اما معتقدند که تعهد ناشی از سند تجاری، جایگزین تعهد اصلی می‌گردد و در واقع در اینجا نوعی تبدیل تعهد صورت می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: تبدیل تعهد، سقوط تعهد، اسناد تجاری، تعهدات منشأ.

مقدمه

سؤال مهمی که برای حقوق دانان در مورد اسناد تجاری مطرح می‌باشد، این است که آیا اسناد تجاری موجب سقوط تعهد می‌شود؟ مثلاً اگر مستأجر مال الاجاره را پرداخت نکرده بود و آنگاه برای پرداخت بدهی اقدام به صدور چک نمود، آیا صدور چک موجب برات ذمه مستأجر از مال الاجاره می‌شود؟ ثمره این مطلب در این نکته است که اگر ما صدور چک را موجب برات ذمه بدانیم، دارنده چک فقط مجاز به اقامه دعوی نسبت به پرداخت وجه چک است، ولی حق اقامه دعوی نسبت به مال الاجاره را نخواهد داشت؛ چون صدور چک موجب سقوط تعهد مستأجر نسبت به مال الاجاره شده است. در حقیقت صدور چک موجب تبدیل تعهد مال الاجاره به تعهد پرداخت وجه چک شده است. لازمه این تبدیل تعهد، سقوط تعهد قبلی است. این نظریه اکثریت قضات است. بنابر دیدگاهی دیگر، صدور چک موجب سقوط تعهد مال الاجاره نمی‌شود، بلکه در جهت تقویت و تأکید همان تعهد قبلی است که به موجب این دیدگاه متعهدله همچنان که می‌تواند نسبت به درخواست وجه چک اقامه دعوی کند، می‌تواند نسبت به پرداخت مال الاجاره هم اقامه دعوی نماید. در این نوشتار به اختصار آرای حقوق دانان و استدلال‌های مربوط در این خصوص ارائه می‌گردد.

۱. مفاهیم و تعاریف

تعهد همیشه پا برجا نمی‌ماند و پس از آنکه به وجود آمد ممکن است به سببی از اسباب سقوط تعهد از بین برود. قانون مدنی ایران در ماده ۲۶۴ خود، شش سبب از اسباب سقوط تعهدات را بر شمرده است که بنابر آن تعهدات به یکی از طرق ذیل ساقط می‌شود: «الف. به وسیله وفای به عهد؛ ب. به وسیله اقاله؛ ج. به وسیله ابراء؛ د. به وسیله تبدیل تعهد؛ ه. به وسیله تهاتر؛ و. به وسیله مالکیت ما فی الذمه». تعهد تجاری نیز، مانند هر تعهد قراردادی، مطابق قواعد عام ساقط می‌شود (اسکینی، ۱۳۷۷: ۲۸).

حال سؤال این است که آیا اسناد تجاری موجب سقوط تعهدات می‌شود؟ در تحلیل ارتباط این بحث با اصل مسأله باید گفت که این بحث مربوط به کیفیت جایگزینی است. درحقیقت می‌توان گفت تمام حقوق دانان اصل قابلیت جایگزینی اسناد به جای نقد را پذیرفته‌اند، اما اختلاف در این است که این جایگزینی به چه کیفیتی باشد؟ آیا این جایگزینی تبدیل تعهد است که موجب

سقوط تعهد سابق شود یا تعهد جدیدی برای تأکید تعهد گذشته است؟ برای پاسخ به سؤالات یاد شده، بایسته است مفاهیم کلیدی مؤثر در فهم مسأله، تبیین گردد.

۱-۱- اسناد تجاری

در اصطلاح حقوقی اسنادی هستند که برای پرداخت وجه در رأس موعد نزدیک یا در مدت معین محدود و کوتاه به کار می‌روند. مهم‌ترین اقسام این اسناد عبارت از چک، برات و سفته می‌باشد و از همین قبیل است اسناد در وجه حامل و قبض انبار (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۴۴).

۱-۲- تبدیل تعهد

قانون‌گذار از تبدیل تعهد تعریفی ارائه نکرده و تعریف آن را از حقوق فرانسه اقتباس کرده است. عده‌ای از حقوقدان‌ها تبدیل تعهد را این‌چنین تعریف کرده‌اند: «تبدیل تعهد عبارت است از تبدیل تعهد سابق به تعهد دیگری که جایگزین آن می‌گردد، به گونه‌ای که تعهد پیشین نابود می‌شود و تعهد جدید به جای آن می‌آید» (شهیدی، ۱۳۳: ۱۳۷۳). برخی دیگر تبدیل تعهد را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تبدیل تعهد یک عمل حقوقی است که به موجب آن، تعهد قدیم منتفی و تعهد جدید جایگزین آن می‌گردد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۷۲۹). بنابراین، تبدیل تعهد یک عمل حقوقی است (شهیدی، ۱۳۷۳: ۱۴۰) که دو اثر ذیل را دارا می‌باشد:

الف. تعهد سابق را با جانشین کردن تعهد نو از بین می‌برد.

ب. تعهد جدیدی را به جای آن می‌نشاند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۶۰۸).

از بین شش سبب سقوط تعهدات، وفای به عهد و تبدیل تعهد در اسناد تجاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۱- تبدیل منشأ تعهد

طرفین تعهد می‌توانند توافق کنند که منشأ تعهد را تغییر دهند. در این صورت تعهد اصلی از بین می‌رود و تعهد جدیدی که سبب آن با سبب تعهد اصلی متفاوت است به وجود می‌آید. (صفایی، ۱۳۸۴: ۲۵۷).

۲-۲-۱- وفای به عهد و ایفای تعهد

اولین سبب از اسباب سقوط تعهد که در ماده ۲۶۴ ذکر شده، وفای به عهد است. وفای به عهد یا اجرای تعهد، معمولی‌ترین وسیله سقوط تعهد است (شهیدی، ۱۳۷۳: ۲۵).

در ماده ۲۷۵ قانون مدنی ایران آمده است: «متعهد را نمی‌توان مجبور نمود که چیز دیگری به غیر آنچه که موضوع تعهد است را قبول نماید، اگرچه آن شیء قیمتاً معادل یا بیش‌تر از موضوع تعهد باشد.»

بر طبق ماده ۲۷۵ قانون مدنی اگر متعهدله این تبدیل را نپذیرد، نمی‌توان او را مجبور کرد به جای موضوع تعهد چیز دیگری را قبول کند؛ یعنی نمی‌توان از او خواست به جای پول، کالای دیگری بگیرد. مفهوم مخالف ماده مزبور می‌رساند که اگر متعهدله این تغییر را بپذیرد، چنین چیزی میسر است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۶۰۸).

بنابراین «دادن چک به جای وجه نقد، تسلیم به غیر جنس است و متعهدله مجبور به قبول آن نیست مگر اینکه طرفین هر دو در بانک حاضر بوده و امتناع از تسلیم چک، کار لغو باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹: ۲۲۷).

اصولاً برای تحقق ایفای تعهد و برائت ذمه متعهد، لازم است متعهد عین مورد تعهد یا فردی از افراد کلی موضوع تعهد را به متعهدله تسلیم کند، اما این اصل مانع آن نمی‌شود که متعهد با موافقت متعهدله موضوع دیگری را در مقام وفای به عهد به جای موضوع تعهد به متعهدله بدهد. طرفین می‌توانند با تبدیل تعهد به تعهد جدید موضوع تعهد را تغییر دهند، اما آنچه در اینجا بررسی می‌شود و در عرف نیز معمول است، صرفاً ایفای تعهد با تأدیه چیزی است که با موضوع تعهد متفاوت است، بدون اینکه مسبوق به اراده طرفین بر تبدیل تعهد یا تشکیل عقد خاصی باشد (شهیدی، ۱۳۷۳: ۴۷).

در تفسیر ماده ۲۷۳ آمده است: طلبکار را نمی‌توان به پذیرش چک اجبار کرد یا امتناع او از قبول چک را مبنای اجرای ماده ۲۷۳ ق.م. کرد، ولی اگر طلبکار آن را بپذیرد، نمی‌تواند پیش از رجوع به بانک آن را رد کند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۴۴). پس طلبکار در پذیرش اسناد تجاری اختیار دارد (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۴: ۲۷).

حقوق دانان در زمینه تسمیه فرض مذکور اتفاق نظر ندارند. عده‌ای نام آن را «تبدیل ایفاء تعهد» گذاشته‌اند تا با «تبدیل تعهد» اشتباه نشود (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۶۰۸). عده‌ای دیگر آن را

«ایفاء تعهد به وسیله تأدیه مال یا عملی که مورد تعهد نیست» نام گذاشته‌اند (شهیدی، ۱۳۷۳: ۴۷). حقوق‌دانان در مورد ماهیت حقوقی تبدیل ایفاء تعهد هم اختلاف عقیده دارند. این اختلاف عقیده از قدیم الایام رواج داشته است. مثلاً، حقوق‌دانان قدیم رُم از جمله اولپین (۱۷۰-۲۲۸م) آن را معاوضه دانسته‌اند، در حالی که عده‌ای دیگر آن را تبدیل تعهد در نظر گرفته‌اند (امامی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۲۲). بعضی نیز آن را یک ایفای خاص دارای ماهیت مختلط با بعضی آثار بیع، معاوضه و تبدیل تعهد دانسته‌اند. به نظر می‌رسد که ماهیت حقوقی تبدیل ایفاء تعهد در همه موارد با تبدیل تعهد یکی نیست، زیرا تبدیل تعهد عبارت است از جایگزین کردن تعهدی به جای تعهد دیگر (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۶۰۸).

تبدیل تعهد که یکی از علل سقوط تعهد به شمار آمده است، عبارت است از این که تعهدی در نتیجه تغییر یکی از ارکان آن به تعهد دیگر تبدیل گردد. در این صورت، تعهد اول ساقط و تعهد دیگری جایگزین آن می‌شود. تبدیل تعهد یک عمل حقوقی و دارای ماهیت قراردادی است و از این رو قصد و رضا و اهلیت از شرایط آن محسوب می‌شود (صفایی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۲۵۵). اگر تبدیل ایفاء به این شکل باشد تبدیل تعهد است، ولی فرض این است که در تبدیل ایفاء، تعهدی از بین نمی‌رود و تعهد جدید جایگزین آن نمی‌شود، بلکه در مقام ایفاء، مال دیگری به جای مال مورد تعهد به متعهدله داده می‌شود و او نیز می‌پذیرد. در اینجا تعهدی در بین نیست، بلکه آنچه هست تبدیل در مقام ایفاء است. مع ذلک، از آنجا که این امر مستلزم توافق طرفین است خود نوعی قرارداد و از مصادیق ماده ۱۰ قانون مدنی محسوب می‌شود. البته طرفین می‌توانند این توافق را در قالب عقود دیگر، مثل معاوضه یا بیع درآورند و یا اساساً تبدیل تعهد نمایند. اثر مهم این عمل حقوقی، مثل ایفای ساده، آزاد شدن ذمه متعهد است و شرایط اساسی صحت معامله نیز باید در آن رعایت گردد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۶۰۸).

تبدیل تعهد یک عمل حقوقی رضایی (غیر تشریفاتی) است که با هر لفظ یا عملی که بر آن دلالت کند واقع می‌شود. لیکن باید توافق طرفین بر تبدیل تعهد محرز و مسلم باشد. صرف صدور چک که وسیله پرداخت دین می‌باشد تبدیل تعهد به شمار نمی‌آید (صفایی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۲۵۵).

۳-۲-۱- اوصاف اسناد تجارتي

اسناد تجارتي دارای اوصاف زیر می‌باشند:

الف. وصف جایگزینی و نمایندگی اسناد تجارتي به جای پول؛

ب. وصف تجریدی در اسناد تجاری

وصف تجریدی اسناد تجاری به این معناست که مسئولیت و تعهد امضاکنندگان سند تجاری، به اعتبار امضایی است که بر رو یا ظهر (پشت) آنها زده و در صورت انتقال سند به دیگری و گردش دست به دست آن، جدای از منشأ و رابطه حقوقی تعهد پایه، به طور مستقل به حیات خود ادامه می‌دهد و امضاکنندگان در مقابل دارنده سند مسئولیت دارند.

در قلمرو حقوق مدنی هر تعهدی علت و سببی دارد. این علت و سبب باید قانونی باشد. اسناد مدنی اعم از رسمی یا عادی ضمن اینکه دلیل محسوب می‌گردند حاکی از وقوع یک تعهد یا رابطه حقوقی است. بنابراین در قلمرو حقوق مدنی سند جنبه تبعی دارد و خود دارای موضوعیت نیست. پس در قلمرو حقوق مدنی اسناد جنبه طریقی دارند (فرحناکیان، ۱۳۸۹: ۲۴۵).

۲. رابطه تعهد براتی با تعهد منشأ

در قلمرو حقوق، تجارت اسناد جنبه موضوعی داشته و خود هدف است نه وسیله. برخلاف اسناد غیر تجاری که کاملاً جنبه تبعی دارند و خود آنها موضوعیت نداشته، مانند شناسنامه و سند نکاحیه، اسناد تجاری خود موضوعیت داشته و متضمن تعهدی به نام تعهد براتی هستند. صادرکننده سند تجاری (چک، سفته و برات) اصولاً به خاطر دینی که به دیگری دارد اقدام به صدور سند تجاری در وجه یا حواله کرد او می‌کند. با صدور سند تجاری، تعهد جدیدی بر عهده صادرکننده به وجود می‌آید که به «تعهد براتی» معروف است؛ رابطه حقوقی سابق را که به خاطر آن سند صادر شده است «رابطه حقوقی سابق یا تعهد منشأ» می‌نامند. تشخیص کیفیت رابطه بین این دو تعهد در حل مسائل عملی مفید خواهد بود. در این رابطه دو حالت قابل تصور است:

الف. صدور سند تجاری موجب زوال تعهد سابق یا تضمینات آن نمی‌شود؛ چون:

اولاً، از لحاظ مقررات قانونی در اینکه متعهد به دو اعتبار (تعهد منشأ و براتی) برای وصول طلب خود دو وسیله در اختیار داشته باشد، مانعی وجود ندارد. طلبکار با وصول طلب به وسیله یکی از این وسایل طبیعتاً حق استفاده از وسیله دیگر را نخواهد داشت (اخلاقی، ۱۳۷۴: ۳۸). زبان حال و قصد ضمنی طرفین در حین صدور و قبول سند تجاری نیز همین است (دمرچیلی، حاتمی و قرائی ۱۳۸۴: ۴۸۳).

ثانیاً، درست است که اسناد تجاری مزایا و تضمینات ویژه‌ای دارند و تسلیم سند دارنده را از این مزایا برخوردار می‌کند، لکن گاه تضمینات تعهد منشأ بیش‌تر و بهتر است، از جمله وقتی تعهد منشأ تضمینی مانند وثیقه عینی به همراه داشته باشد. بدیهی است کسی که بابت چنین طلبی سند تجاری قبول می‌کند، قصد انصراف از تعهد سابق و تضمینات آن را ندارد (اخلاقی، ۱۳۷۴: ۳۸).

ب. بستانکار سند تجاری صادره توسط مدیون را از او بپذیرد: در این باره نظرات مختلفی ابراز شده است:

۱- با صدور سند تجاری رابطه حقوقی سابق همراه با تضمینات آن از بین می‌رود (اخلاقی، ۱۳۷۴: ۳۷-۳۸). این نتیجه‌گیری به دو نحو توجیه شده است:

اولاً، سند تجاری صرفاً وسیله انجام تعهد است و با صدور سند تعهد جدیدی به وجود نمی‌آید، بلکه تعهد سابق در سند ادغام می‌شود و ماهیت تعهد سابق تحول یافته و متقلب شده و به تعهد براتی تبدیل می‌شود.

ثانیاً، با صدور سند تجاری یا انتقال آن، طرفین رابطه حقوقی (تعهد) سابق توافق می‌کنند که به جای تعهد سابق، تعهد جدیدی با ویژگی‌های خاص خود (تعهد براتی) به وجود آورده و آن را جایگزین تعهد سابق کنند. به عبارت دیگر، تعهد سابق را به تعهد جدیدی تبدیل کنند (تبدیل تعهد). این امر موجب سقوط تعهد سابق همراه با تضمینات آن می‌شود (مواد ۲۹۲ و ۲۹۳ ق.م.ا).

استدلال قائلین هر دو نظریه این است که وقتی طلبکاری در ازای طلب خود از بدهکار یک سند تجاری می‌پذیرد، این خود متضمن قصد او مبنی بر انصراف از اعمال حق سابق است، چون تصور اینکه شخصی از بابت موضوع واحدی دو تعهد (تعهد منشأ و تعهد براتی) به عهده داشته باشد منطقی نیست. به همین دلیل است که با وصول وجه سند، دارنده دیگر حقی برای خود نمی‌شناسد (اخلاقی، ۱۳۷۴: ۳۸-۳۶). اکثریت قضات دادگاه‌های حقوقی ۲ سابق تهران در نظریه مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۳ بر همین عقیده بوده‌اند:

با صدور چک از ناحیه مستأجر و موافقت و دریافت آن توسط مؤجر تبدیل تعهد صورت گیرد، یعنی ذمه مستأجر نسبت به اجاره‌بها بری می‌شود، ولیکن وی در مورد مبلغ چک مسئول و قابل تعقیب است. به عبارت دیگر، چک نوعی وسیله پرداخت است که طرفین به این نحو پرداخت، رضایت داده و مأخوذ به آن شده‌اند. عرف اقتصادی در معاملات نیز به همین شیوه است. بنابراین همان طوری که اگر مؤجر و مستأجر توافق در تقسیط اجور معوقه نمایند ملتزم

به آن هستند، هم‌چنان نیز اگر بابت اجاره تراضی در چک کنند ملزم به آن خواهند بود و مؤجر نمی‌تواند علاوه بر دریافت چک و استفاده از مزایای آن از جهت تعقیب حقوقی و کیفری صادر کننده و یا اقدام به صدور اجرائیه از ثبت و هم‌چنین امکان ظهرنویسی آن علیه مستأجر راجع به همان اجاره‌بها اقامه دعوی و درخواست تخلیه نماید. شناختن این حق برای مؤجر به این معنی است که مستأجر افزون بر تعهد سابق مبنی بر پرداخت مال‌الاجاره و تحمل ضمانت اجرای عدم پرداخت و تخلیه مورد اجاره نسبت به مبلغ چک نیز از حیث حقوقی و کیفری متعهد شده و به نحو دیگر تعهد او مضاعف گردیده است، در حالی که طرفین چنین قصدی نداشته‌اند، بلکه اراده آنها از صدور و دریافت چک تبدیل تعهد سابق به تعهد جدید و لاحق بوده است (نوبخت، ۱۳۷۲: ۲۸۹).

شعبه ۶۵ دادگاه حقوقی ۲ سابق تهران رأی شماره ۶۳۲-۱۹/۹/۱۳۷۳ در این باره به شرح ذیل اظهار نظر کرده است:

خواهان هم‌چنین شش فقره سفته دادگاه ارائه و اضافه کرده است پس از تخلیه عین مستأجره، این سفته‌ها را بابت امور معوقه دریافت نموده است. به نظر دادگاه با عنایت به مواد ۲۹۲ و ۲۹۳ ق.م. مطالبه اجور معوقه با صدور سفته‌های مذکور به طلب ناشی از سند تجاری تبدیل شده است و در مقابل امضاءکننده سفته در قبال موجر متعهد پرداخت دین شده است، فلذا خواننده این پرونده دیگر متعهد به حساب نمی‌آید تا دعوی به طرفیت او مسموع باشد (بهرامی، ۱۳۷۸: ۷).

قانون‌گذار ایران در این باره موضع خود را روشن نکرده است، ولی حقوق‌دانان این نظریه را که صدور سند تجاری موجب زوال تعهد سابق یا تضمینات آن نمی‌شود، تأیید کرده‌اند. برای ارزیابی هر یک از دو نظریه بایسته است ماهیت چک و برات به عنوان دو سند تجاری مهم و آثار تسلیم آن دو را مورد بررسی قرار دهیم.

تسلیم چک به خودی خود، ایفای تعهد نیست. هم‌چنین، با تسلیم چک به متعهدله، تبدیل تعهد تحقق نمی‌یابد. بنابراین، مادام که وجه چک وصول نشود، تعهد صادرکننده با تمام تضمینات آن باقی خواهد ماند. این وضعیت در حقوق فرانسه نیز مورد قبول رویه قضایی و دکترین قرار گرفته است (شهیدی، ۱۳۷۳: ۹۵).

در تفسیر ماده ۲۹۲ آمده است: دادن چک برای پرداخت اجاره بها و پذیرش موجر دلیل بر تبدیل تعهد دین مستأجر نیست، زیرا چک وسیله پرداخت دین است و تبدیل تعهد باید مقصود

باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۵۴). پس صرف صدور چک که وسیله پرداخت دین می‌باشد، تبدیل تعهد به شمار نمی‌آید (صفایی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۲۵۵).

حقوق دانان در فرانسه، در این باره که آیا تسلیم چک موجب سقوط تعهد بدهکار در معامله اصلی می‌شود یا نه، مباحثاتی به عمل آورده‌اند. علت بحث این بوده است که چک از نظر عامه، وسیله پرداخت تلقی می‌شود. مسأله این است که اگر برای مثال، خریدار در عقد بیع، ثمن معامله را به صورت چک تسلیم بایع کند، با این عمل، تعهد او به پرداخت ثمن ساقط می‌شود یا خیر؟ بعضی معتقدند که تسلیم چک یک نوع تبدیل تعهد است به این معنی که تعهد سابق (تعهد به پرداخت ثمن) ساقط می‌شود و تعهد جدیدی جای آن را می‌گیرد. قانونگذار فرانسه این نظریه را پذیرفته و معتقد است که با تسلیم چک، طلب سابق دارنده با تمام تضمین‌های آن باقی می‌ماند. بنابراین، از نظر حقوق فرانسه، تسلیم چک به منزله پرداخت نیست، بلکه باعث می‌شود که به تضمین‌های دارنده افزوده شود. دیوان کشور فرانسه نیز به پیروی از این قاعده مقرر کرده است که تا مبلغ چک نقداً پرداخت نشود و یا به حساب دارنده واریز نگردد، متعهد اصلی به جای خود باقی است.

حقوق ایران در این مورد چنین صراحتی ندارد؛ اما روشن است که تسلیم چک برای پرداخت، پرداخت به مفهوم حقوقی کلمه نیست؛ یعنی موجب سقوط تعهد صادر کننده که ناشی از قرارداد اصلی است، نمی‌شود. بنابراین، تسلیم چک موجب سقوط تعهد سابق و ایجاد تعهد جدید به نفع متعهدله نیست. این نکته در مورد برات نیز صادق است، هر چند برات، برخلاف چک، دارای مدت پرداخت است. بنابراین تعهد به پرداخت توسط چک، تبدیل تعهد نیست، حتی اگر تبدیل تعهد هم باشد، باز دلیل قانونی بر سقوط تعهد اصلی و ایجاد تعهد براتی وجود ندارد و مقتضای اصل، بقای آن است (اسکینی، ۱۳۸۵: ۲۰۵-۲۰۴).

تسلیم برات به بستانکار نیز اصولاً نمی‌تواند ایفای تعهد محسوب شود، زیرا، طبق مقررات قانون تجارت، مادام که وجه برات پرداخت نشود، تعهد و مسئولیت متعهدین (برات‌دهنده و ظهرنویس) در برابر متعهدله (برات‌گیر) که وظایف قانونی خود را در مورد مطالبه قانونی برات در موعد مقرر (ماده ۲۷۴ و مواد بعدی ق.ت.) و اعتراض عدم تأدیه و طرح دعوی در مدت معین (مواد ۲۸۴ و ۲۸۶ ق.ت.) و غیره را انجام داده باشد، باقی خواهند ماند.

مسأله‌ای که در اینجا به ذهن وارد می‌شود، این است که آیا با تسلیم برات، نوعی تبدیل تعهد

محقق می‌شود و تعهد پیشین متعهد، جای خود را به تعهد جدیدی می‌دهد یا اینکه تسلیم برات، انتقال دین یا طلب را همراه دارد و یا هیچ یک از تبدیل تعهد و یا انتقال دین یا طلب بر ماهیت تسلیم برات منطبق نمی‌باشد؟ (شهیدی، ۱۳۷۳: ۹۵)

۳. تسلیم چک و برات و تبدیل تعهد

۳-۱- تبدیل تعهد

تبدیل تعهد عبارت است از جایگزین ساختن تعهدی به جای تعهد دیگر. به این ترتیب، تعهد پیشین نابود می‌شود و تعهد جدید به جای آن به وجود می‌آید (شهیدی، ۱۳۷۳: ۱۳۳).

تسلیم برات ایفای تعهد نیست، ولی آیا با تسلیم و قبض برات نوعی تبدیل تعهد محقق می‌شود؟ آیا تسلیم و قبض برات سبب انتقال دین یا طلب می‌گردد یا اینکه هیچ یک از تبدیل تعهد و یا انتقال دین یا طلب، قابل انتساب به ماهیت تسلیم و قبض برات نمی‌باشد؟ (شهیدی، ۱۳۷۳: ۱۳۳)

هرچند از جهت برخی آثار حقوقی، می‌توان تسلیم برات را به نقل دین یا طلب و یا تبدیل تعهد تشبیه کرد، ولی حقوق دانان این نظریه را نمی‌پذیرند (شهیدی، ۱۳۷۳: ۱۴۸).

حقوق دانان می‌گویند: برات را مصداق تبدیل تعهد نباید شمرد و نباید گفت که متعهد با کشیدن برات، عوض می‌شود و به جای برات کش، برات گیر (محال علیه) قرار می‌گیرد چه در پیدایش تعهد برات گیر، بلافاصله تعهد برات کش، ساقط نمی‌شود و حال آنکه لازمه تبدیل تعهد این است که با بروز تعهد جدید، تعهد سابق، ساقط شود. ماده ۲۴۹ قانون تجارت گفته است: «برات دهنده و کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویسان در مقابل دارنده برات، مسئولیت تضامنی دارند» (لنگرودی، ۱۳۸۸: ۶۱۲).

۳-۲- تبدیل تعهد از جهت تبدیل متعهد یا متعهدله

در بین اقسام تبدیل تعهد، آنچه مقام مقایسه با ماهیت تسلیم برات قابل تصور است، تبدیل تعهد از جهت تبدیل متعهد یا متعهدله و از جهت منشأ تعهد می‌باشد. مقایسه تبدیل تعهد، از جهت تبدیل موضوع تعهد با تسلیم برات موضوعاً منتفی است، زیرا با تسلیم برات، موضوع دین برات کش یا ظهرنویس در برابر دارنده برات تغییر نمی‌یابد.

با تسلیم برات از طرف برات کش یا ظهرنویس به دارنده برات، تبدیل تعهد از جهت تبدیل

متعهد تحقق نمی‌یابد، زیرا با تسلیم برات و حتی پس از قبول محال‌علیه، اصولاً تعهد برات‌دهنده و ظهرنویس در برابر دارنده برات ساقط نمی‌شود و تعهدات مزبور تا وصول وجه برات باقی می‌ماند، در صورتی که در تبدیل تعهد، تعهد پیشین ساقط و ذمه متعهد نسبت به آن آزاد می‌گردد (شهیدی، ۱۳۷۳: ۱۴۹).

۳-۳- تبدیل تعهد از جهت تبدیل منشأ

ممکن است تصور شود که تسلیم برات به وسیله مدیون به داین، خود منشأ پیدایش تعهد است و با تسلیم برات به بستانکار، منشأ تعهد برات‌کش یا ظهرنویس تبدیل پیدا می‌کند، ولی با کمی دقت غیر قابل قبول بودن آن آشکار خواهد شد؛ زیرا علاوه بر آنچه در مورد خلاف اصل بودن تبدیل تعهد گفته شده، به هنگام تسلیم برات، طرفین هدفی جز فراهم ساختن وسیله خاصی جهت ایفای تعهدی که قبلاً موجود بوده است، ندارند و قرارداد جدیدی که مولود تعهدی مستقل و جدا از برات پیشین باشد مورد اراده و انشای ایشان قرار نمی‌گیرد (شهیدی، ۱۳۷۳: ۱۵۱).

۴. تسلیم برات و آثار آن

با در نظر گرفتن احکام و آثاری که قانون تجارت برای برات و تسلیم آن مقرر داشته است، باید گفت تسلیم و قبض برات، ایجاب و قبول یک قرارداد تشریفاتی خاص حقوق تجارت است. پس تعهدات حاصل از برات را نمی‌توان مستقل و بی‌ارتباط با روابط قبلی برات‌دهنده یا ظهرنویس و دارنده برات و تعهد پیشین موجود بین ایشان دانست.

تسلیم برات برخی از آثار تبدیل تعهد و بعضی از آثار انتقال دین یا طلب را دارد. مثلاً، طبق قاعده «inopposabilite des exceptions» که مانند تبدیل تعهد است برات‌گیر نمی‌تواند پس از قبول، ایرادات و اعتراضاتی را که می‌توانست در برابر برات‌دهنده یا متصرفین قبلی مطرح کند، در برابر دارنده برات مورد استناد قرار دهد. همچنین، مانند انتقال دین، تضمینات دین برات‌دهنده یا ظهرنویس به دارنده برات، پس از تسلیم برات از بین نمی‌رود و تا زمانی که وجه برات وصول نشود، باقی خواهد ماند؛ زیرا، از یک طرف، تعهد دارای تضمینات مذکور تا وصول وجه برات باقی است. از طرف دیگر، دلیل قانونی بر زوال این تضمینات وجود ندارد و مقتضای اصل، بقای آن است (شهیدی، ۱۳۷۳: ۱۵۴-۱۵۳).

با توجه به اینکه ماده ۲۶۴ ق.م. تبدیل تعهد را یکی از طرق سقوط تعهدات دانسته و طبق بند ۳

ماده ۲۹۲ همان قانون «وقتی که متعهدله ما فی الذمه متعهد را به کس دیگری منتقل نماید» تبدیل تعهد محقق می‌شود. چنانچه بستانکار چک شخص دیگری را از مدیون بپذیرد و چنانچه مدیون چک شخص دیگری را بدون ظهنویسی یا ضمانت در اختیار طلبکار قرار دهد و طلبکار آن را در قبال طلب خود بپذیرد به گونه‌ای که طبق ماده ۲۹۲ ق.م. تبدیل تعهد محقق شود، در این حالت اگر به تشخیص دادگاه تبدیل تعهد انجام شده باشد، دارنده چک تنها حق مراجعه به صادرکننده چک را دارد (فرحناکیان، ۱۳۸۹: ۲۲۳).

البته لازم است ذکر شود نهاد تبدیل تعهد، که خود لباسی کهنه و عاریتی است، چندان مبهم است که نمی‌تواند راهنمای استنباط احکام در زمینه‌های تجاری باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۳۱۷).
 عده‌ای از حقوق‌دانان معتقدند که نمی‌توان واگذاری چک از طرف مدیون و قبول آن از طرف دائن را دلیل بر تراضی طرفین بر تبدیل تعهد سابق به تعهد براتی دانست، مگر اینکه مقصد طرفین صریحاً بر این امر دلالت کند و تشخیص این امر با قاضی رسیدگی کننده است (شیوا رضوی، بی‌تا: ۲۰۰).

۵. تأثیر متقابل تعهد براتی و رابطه حقوقی منشأ بر یکدیگر

۱-۵- تأثیر رابطه حقوقی منشأ بر تعهد براتی

مقتضای ویژگی اسناد تجاری یعنی «تجریدی بودن اسناد تجاری» و اصل «عدم توجه ایرادات» این است که کیفیت رابطه حقوقی منشأ که علت صدور یا ظهنویسی سند تجاری است، تأثیری در تعهد براتی نداشته باشد. به عبارت دیگر، برخلاف عقد حواله یا رهن یا سایر عقود تبعی که صحت آنها منوط به صحت رابطه حقوقی منشأ است (ماده ۷۳۳)، تعهد براتی در عین حال که راجع به تعهد منشأ است، تابع آن نیست. از این رو، بطلان یا از بین رفتن تعهد منشأ موجب بطلان یا بی‌اعتباری سند تجاری نمی‌شود (دمرچیلی، حاتمی و قرائی، ۱۳۸۴: ۴۸۴).

عدم لزوم توجه منشأ تعهد براتی توسط دارنده: صدور چک مسلماً یا داعی عادی داشته یا داعی مصنوعی یا جنبه شرط ضمن قرارداد و امثال آن و نیز در نظر عرف عقل و بازار و بانکداری صدور و تحویل چک توسط دارنده حساب به منزله اقرار به دین است. در موازین فقهی و شرعی اقرار به مجهول و مبهم مسموع و صحیح است و فرد مکلف به بیان آن است.

۲-۵- تأثیر تعهد براتی بر رابطه حقوقی منشأ

اگرچه تعهد براتی از رابطه حقوقی منشأ جدا بوده و وجود و بقایش به آن بستگی ندارد، لکن اینطور هم نیست که این دو هیچ ارتباطی به یکدیگر نداشته باشند. از آنجایی که تعهد براتی راجع به تعهد منشأ است، می‌تواند در آن مؤثر باشد. برخی از موارد آن به شرح ذیل می‌باشد:

۱- تنفیذ عقود غیر نافذ: وقتی رابطه حقوقی منشأ به علت وجود اکراه، اشتباه یا فضولی بودن تعهدی غیر نافذ به شمار می‌آید، چنانکه اشخاص ذیربط بعد از رفع اکراه یا اشتباه یا پی بردن به فضولی بودن عقد، برای پرداخت یا وصول عوض، اجاره بها و ... قرارداد سند تجاری صادر کنند یا بپذیرند یا ظهرنویسی کنند، قرارداد را به طور عملی تنفیذ کرده‌اند.

۲- تغییر در سر رسید منشأ: در صورتی که مدیون برای پرداخت دین خود سند تجاری صادر کند و طلبکار نیز آن را بپذیرد در واقع آنها به پرداخت دین و وصول طلب در سر رسید سند تجاری رضایت داده‌اند. از این رو، اگر سر رسید سن طولانی‌تر از سر رسید تعهد منشأ باشد به معنی تمديد مهلت پرداخت دین و در صورتی که سر رسید سند کوتاه‌تر باشد، به معنی کم‌تر کردن مهلت ایفای تعهد منشأ است.

۳- تأثیر تعهد براتی در سر رسید تعهد منشأ در زمان شروع یا قطع مرور زمان تأثیر دارد.

۴- برخلاف تعهد منشأ در صورت پرداخت قسمتی از وجه سند تجاری، دارنده موظف به پذیرش آن است. (دمرچیلی، حاتمی و قرائی، ۱۳۸۴: ۴۸۶).

۳-۵- شرایط اعمال حق ناشی از رابطه حقوقی سابق

از مباحث پیشین دریافتیم که با صدور سند تجاری تعهد منشأ از بین نمی‌رود، بلکه دارنده سند دو وسیله (تعهد منشأ و تعهد براتی) برای رسیدن به حق خود در اختیار دارد. حال آیا دارنده سند می‌تواند برای وصول طلب خود از سند تجاری استفاده نکرده و به استناد تعهد منشأ حق خود را مطالبه کند؟ به نظر می‌رسد وقتی دارنده سند، سند مزبور را به عنوان وسیله وصول طلب خود می‌پذیرد در واقع بین صادرکننده سند یا ظهرنویس و دارنده، سند قراردادی به این مضمون منعقد می‌شود که طلبکار برای وصول طلب خود از آن وسیله استفاده کند (کاتوزیان، ج ۴، ۱۳۶۸: ۱۲۷).

اکنون سؤال این است که قلمرو قرارداد مزبور تا چه حد است؟ در صورت عدم قبول برات از طرف برات گیر یا عدم پرداخت وجه آیا دارنده می‌تواند آن اسناد را نادیده گرفته و به استناد تعهد

منشأ اقامه دعوی بکند؟

حقوق دانان معتقدند که گستره تعهد دارنده صرفاً تا این حد است که در سررسید مقرر به بانک محال علیه یا گیرنده برات یا متعهد سفته مراجعه کند. دارنده سند تجاری دیگر تعهد نکرده است سایر اقدامات از قبیل اقامه دعوی و ... را نیز از طریق آن اسناد انجام دهد. از این رو، به صرف مراجعه به محال علیه یا متعهد سند و عدم پرداخت می تواند از سند صرف نظر کند (دمرچیلی، حاتمی و قرائی، ۱۳۸۴: ۴۸۶).

نتایج و یافته‌ها

- ۱- حقوق دانان در اینکه صدور و تسلیم اسناد تجاری موجب برائت ذمه متعهد از تعهد مدنی و تبدیل آن به تعهد تجاری می شود اتفاق نظر ندارند.
 - ۲- عده ای مخالف وصف جایگزینی هستند و معتقدند هرگاه در معامله ای از سند تجاری مثل چک یا سفته به عنوان وسیله پرداخت ثمن استفاده شود، به صرف صدور و تسلیم سند، تا وقتی وجه سند پرداخت نشده است، تعهد مدیون ساقط نشده و ذمه وی در قبال همان تعهد مدنی منشأ کماکان پابرجاست. این عده برای اثبات نظر خود به این دلایل تمسک می جویند:
 - الف. تبدیل تعهد به تراضی دو طرف نیاز دارد. این تراضی باید به قصد تبدیل تعهد باشد نه به منظور استفاده از سند تجاری به عنوان وسیله ای برای پرداخت.
 - ب. قصد ایجاد تعهد جدید به منظور زوال تعهد سابق باشد. در حالی که سند تجاری غالباً در تقویت تعهد پیشین دریافت می شود، نه برای اسقاط آن.
 - ج. اصل بر عدم تبدیل تعهد است، اعم از اینکه منشأ تردید، سقوط تعهد یا ایجاد تعهد باشد، در هر حال اصل عدم را جاری می کنیم.
 - د. اصل بر بقای تعهد سابق است مگر خلاف آن ثابت شود.
 - ه. مطابق ماده ۲۹۲ قانون مدنی، تبدیل تعهد به اعتبار یکی از صور تبدیل دین، تبدیل دائن یا تبدیل مدیون محقق می شود. در حالی که صدور سند تجاری برای پرداخت بدهی مدنی مشمول هیچ یک از صور مذکور نیست.
- بنابراین به اعتقاد این گروه صدور سند تجاری نوعی پیوند بین رابطه حقوقی سابق و تعهد براتی ایجاد می کند تا در صورت عدم پرداخت وجه سند تجاری، ذینفع بتواند تعهد اصلی را

مطالبه نماید.

۳- عده‌ای بر این باورند که با صدور سند تجاری، دین مدنی ساقط شده و به تعهد تجاری تبدیل می‌شود. به تبع سقوط تعهد مدنی به واسطه تبدیل تعهد، کلیه تضمینات دین سابق نیز زایل می‌شود. این گروه در توجیه نظر خود به این دلایل استناد می‌کنند:

الف. سند تجاری صرفاً وسیله انجام تعهد است و با صدور سند تعهد جدیدی به وجود نمی‌آید بلکه تعهد سابق در سند ادغام می‌شود و ماهیت تعهد سابق تحول یافته و منقلب شده و به تعهد براتی تبدیل می‌شود.

ب. با صدور سند تجاری یا انتقال آن طرفین رابطه حقوقی (تعهد) سابق توافق می‌کنند که به جای تعهد سابق تعهد جدیدی که با ویژگی‌های خاص خود (تعهد براتی) به وجود آورده و آن را جایگزین تعهد سابق کنند.

با توجه به مطالب بیان شده به نظر می‌رسد ادله این قول قابل تمسک، و تاییدی بر نظریه سقوط تعهدات منشاء با امضای اسناد تجاری است.

منابع

- قانون مدنی ایران.
- قانون تجارت.
- اخلاقی، بهروز. (۱۳۷۴) «جزوه حقوق تجارت کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران».
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۸۵) حقوق تجارت (برات، سفته، قبض، انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ دهم.
- ———. (۱۳۷۷) مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۳.
- امامی، سید حسن. (۱۳۷۷) حقوق مدنی، تهران: ناشر کتابفروشی اسلامی، چاپ نوزدهم.
- بهرامی، بهرام. (۱۳۷۸) سلسله درس‌های حقوق تجارت کاربردی، وصف جایگزینی در اسناد تجاری، انتشارات روزنامه رسمی کشور، چاپ اول.
- بهرامی احمدی، حمید. (۱۳۹۰) حقوق تعهدات و قراردادها (با مطالعه تطبیقی در فقه و مذاهب اسلامی و نظام‌های حقوقی)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۸) دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.

- ——— (۱۳۷۶) ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ هشتم.
- ——— (۱۳۸۶) الفارق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ——— (۱۳۷۹) مجموعه محشی قانون مدنی، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
- دمرچیلی، محمد و علی حاتمی و محسن قرانی. (۱۳۸۴) قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، تهران: انتشارات میثاق عدالت، چاپ پنجم.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۷۳) سقوط تعهدات، تهران: کانون وکلای دادگستری، چاپ سوم.
- شیوا رضوی، کاظم. (بی تا) «گردش چک»، رساله دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- صفایی، سید حسن. (۱۳۹۲) دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، تهران: نشر میزان، چاپ پانزدهم.
- فرحناکیان، فرشید. (۱۳۸۹) قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر میزان، چاپ سوم.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۶۸) حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، تهران: انتشارات به نشر، چاپ اول.
- ——— (۱۳۷۴) حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، تهران: نشر میزان، چاپ نهم.
- ——— (۱۳۷۷) قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
- نوبخت، یوسف. (۱۳۷۲) اندیشه‌های قضایی، انتشارات کیهان، چاپ چهارم.